

بریکس؛ اهداف و چالش‌های پیش رو

دکتر فخرالدین سلطانی^۱ - مریم شهبازی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۱

چکیده:

تحولات سریع در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی، باعث شده تا کشورها به سمت همکاری و تعامل بیشتر حرکت کنند. این امر به نوبه خود، پیمان‌ها و ائتلاف‌های جدیدی را رقم می‌زند یا ائتلاف‌های پیشین را تقویت یا حتی تضعیف می‌کند. از جمله این ائتلاف‌ها و نهادها بریکس است که بر اساس یک تفاهم بین‌المللی جهت مدیریت بخشی از اقتصاد جهانی تشکیل شده است. بریکس فعالیت خود را از سال ۲۰۰۹ میلادی آغاز کرد و به سرعت به یک نهاده مؤثر در عرصه بین‌المللی تبدیل شد. این نوشتار در صدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که بریکس چه جایگاهی در نظام بین‌الملل کنونی دارد و چه چشم اندازی را میتوان برای آن متصور بود؟ و فرضیه‌ای که به آن پرداخته‌ایم حاکی از آن است که بریکس توانسته است در مدتی اندک، قطب اقتصادی جدیدی را در برابر غرب ایجاد کند و کم‌کم به موضوعات امنیتی و سیاست بین‌الملل نیز پا بگذارد و در صورت رفع برخی آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی، این نهاد خواهد توانست تا نقش ارزنده‌ای در تغییر و اصلاح ساختار نظام بین‌المللی کنونی داشته باشد.

واژگان کلیدی: بریکس، نظام چند قطبی، آفریقای جنوبی، برزیل، چین، روسیه، هند

^۱ - استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
fakhreddinsoltany@gmail.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد، روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
m.shahbazi207@gmail.com

مقدمه:

تغییر و تحولات سریع و شتابنده معادلات سیاسی، اقتصادی و نظامی در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی باعث شده است تا امروز کشورها بنا به نیازها و ضروریات جایگاه خود در عرصه جهانی و در چارچوب نظریه‌های همگرایی و امنیت گروهی، به سوی همکاری و تعامل بیشتر حرکت کنند. این امر به نوبه خود، هم پیمانی‌ها و ائتلاف‌های جدیدی را رقم می‌زند یا ائتلاف‌های پیشین را تقویت یا حتی تضعیف می‌کند.

نظریات همگرایی برای نخستین بار، در نوشته‌های کارکردگرایانی مانند «دیوید میترا نی»^۱، «ارنست هاس»^۲ و «جوزف نای»^۳ مطرح شد که براساس آن، دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مجزا از هم، داوطلبانه از بخشی از اقتدار خود و اعمال آن برای دستیابی به یک سلسله اهداف مشترکشان صرف نظر می‌کنند. برای مثال، ارنست هاس همگرایی را فرایندی می‌داند که در آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری و فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدید معطوف سازند. وی که از پایه گذاران نظریه همگرایی است، نظریه خود را چنین توضیح می‌دهد: «فرایندی که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش اختیارات قانونی داشته یا متقاضی اختیارات قانونی و رأی اختیارات ملت و کشورها باشد سوق دهد». (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۱) کشورها برای تأمین امنیت و سعادت و خوشبختی خود ناگزیر از همکاری با یکدیگرند و این همکاری جایگزین امپراتوری‌های گذشته می‌شود. از اینرو، تأمین تمام یا بخش عمده‌ای از اهداف مزبور

¹ - David Mitrany

² - Ernst B. Haas

³ - Joseph Nye

مستلزم ایجاد ائتلاف و سازمانی است تا همکاری بین عناصر را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت کند.

بریکس (BRICS)¹ یا سازمان قدرت‌های اقتصادی نوظهور (از بهم پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو آن یعنی: Brazil, Russia, India, China, South Africa تشکیل شده است) از جمله همین سازمان‌هایی است که در سال‌های اخیر در چارچوب نظریه‌های همگرایی و امنیت دسته جمعی بنا به اقتضائات گوناگون و مهمتر از همه بنا به ضروریات اقتصادی شکل گرفت. متفکران معتقدند تأسیس بریکس را باید یکی از مهم‌ترین رویدادهای ژئوپلیتیک قرن جدید و هزاره سوم برشمرد، چرا که این گروه با توجه به توانایی‌های بالقوه و بالفعل آن، به سرعت به پدیده و عامل قدرتمندی در سطح جهانی تبدیل شده است. (Lokov, 2012) به اعتقاد آنان، بریکس باشگاه اقتصادی است همراه با گرایش‌های سیاسی و بیانگر دو واقعه: یکی اقتصادی تحت عنوان جهانی شدن اقتصاد و دیگری استراتژیک تحت عنوان جنگ عراق. (Laidi, 2011) در واقع، این دو پدیده نقشی اساسی در پیدایش بریکس ایفا کردند، چرا که از یک طرف جهانی شدن لزوم ایجاد و تقویت پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را سبب شد. از طرف دیگر، جنگ عراق لزوم طراحی معماری نو در جهان و نظام بین‌المللی را باعث شد.

کشورهای عضو این گروه در مجموع تقریباً ۴۳ درصد کل جمعیت (حدود ۳ میلیارد نفر) و از نظر وسعت، ۳۰ درصد مساحت زمین را به خود اختصاص داده‌اند. (IMF, 2013) این گروه که از آن به عنوان «گروه ۵» نیز یاد می‌شود در تلاش است تا با تقویت خود، بلوک قدرتمندی در برابر قدرت‌های غربی شکل دهد و ساختار نوینی را در نظام بین‌المللی طراحی کند که مبتنی بر عدالت هر چه بیشتر باشد. (ایواشف، ۱۳۹۰)

¹ - BRICS: Brazil, Russia, India, China, South Africa

بر این اساس، این نوشتار در صدد است تا این سوال اساسی را بررسی کند که جایگاه بریکس با توجه به امتیازات و چالش‌های فراروی آن، در نظام بین‌المللی چگونه است و چه چشم اندازی را می‌توان برای آن در نظر داشت؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا تاریخچه و سیر تحولات این پیمان بررسی می‌شود. سپس، مهمترین امتیازها و چالش‌های بریکس تشریح می‌شود. نهایتاً، با توجه به توانمندی‌ها و معضلات فراروی بریکس، جایگاه و چشم انداز آن در نظام بین‌المللی بررسی می‌شود.

تاریخچه و سیر تحولات بریکس

برزیل، روسیه، هند و چین چهار کشوری هستند که قدرتهای اقتصادی نوظهور قرن بیست و یکم تلقی می‌شوند. این چهار کشور در سال ۲۰۰۹ میلادی پیمانی را بنیان نهادند که بریک (BRIC) نام گرفت (یعنی برزیل، روسیه، هند و چین) و پس از آنکه در دسامبر سال ۲۰۱۱ میلادی، آفریقای جنوبی هم وارد این ائتلاف شد، نام این اتحادیه به بریکس (BRICS) تغییر یافت. البته هسته اصلی بریکس را گروه بریک^۱ تشکیل می‌دهد که مراد از آن کشورهای روسیه، هندوستان و چین است و در اوایل سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی و با ابتکار روسیه تشکیل شده بود.^۲ اما با پیوستن برزیل به این مجموعه، بریک (BRIC) متولد شد. این نام با ترکیب حروف اول این کشورها، نخستین بار در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۱ میلادی با عنوان «جهان به بریک‌های اقتصادی بهتر نیاز دارد»^۳ از سوی جیم ونیل^۴ مطرح شد که آن زمان رئیس مدیریت دارایی‌های مؤسسه مشهور

¹ - BRIC

- ن.ک. صمیمی، سید موسی، () طرح مالی جدید برزیل، روسیه، هند، چین افریقای جنوبی (بریکس) در برابر نظم مالی حاکم بر جهان. www.favon.nl

³ - The World Needs Better Economic BRICs

⁴ - Jim O'Neill

گلدمن ساکس^۱ بود. (والرشتاین، ۲۰۱۳) وی در این مقاله ضرورت تحرک بیشتر اقتصادهای چهار کشور برزیل، روسیه، چین و هند را در اقتصاد جهانی خواستار شده بود. (O,Neil,2011) با پیوستن آفریقای جنوبی، بریکس در شکلی جهانی‌تر فعالیت کرد. نطفه اولیه بریکس در سال ۲۰۰۶ م در نیویورک و در تماس بین نمایندگان برزیل، روسیه، چین و هند منعقد شد. وزرای امور خارجه کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین در حاشیه شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گفتگوهای مقدماتی را برای تأسیس این گروه آغاز کردند. این تماس‌ها منجر به جلسات هماهنگی بین کشورهای بریکس شد. بعد از این اجلاس، رهبران ارشد این کشورها، در چهار نشست دیپلماتیک دیگر یکاترینبورگ، سائوپائولو، توکیو و لندن برای تحکیم پایه‌های شکل‌گیری این گروه شرکت کردند تا اینکه در سال ۲۰۰۹ م بریکس تأسیس شد. (سجادپور، ۱۳۹۱)

پس از تأسیس بریکس، آفریقای جنوبی تلاش‌های فراوانی برای عضویت در گروه بریکس از خود نشان داد و متعاقب آن، وزرای امور خارجه کشورهای عضو، در نشستی که در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۰ م در نیویورک برگزار شد، با عضویت آفریقای جنوبی موافقت کردند و این کشور از سال ۲۰۱۱ م رسماً عضو این گروه شد و برای اولین بار جیکوب زوما^۲، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی، در ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ م در سومین اجلاس سازمان بریکس، به عنوان نماینده این کشور شرکت کرد. (Hounshell,2011)

این سازمان تاکنون پنج اجلاس مهم در سطح سران برگزار کرده است. اولین اجلاس رسمی سران گروه بریکس در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ م در یکاترینبورگ روسیه با حضور لوئیس

^۱ -Goldman Sachs

^۲ - Jacob G. Zuma

ایناسیو لولا داسیلوا، دمیتری مدودف، ماتموهانگ سینگ و هوچین تائو^۱ در مقام رهبران کشورهای برزیل، روسیه، هندوستان و چین برگزار شد. این نشست حاصل چندین سال مذاکره بین این کشورها از سال ۲۰۰۶ م به بعد بود. در این نشست رهبران کشورهای بریک هشدار دادند که باید در نظام مالی جهان اصلاحاتی صورت بگیرد تا به نظامی کارا، مطمئن و باثبات تبدیل شود. هر چند این کشورها منتقد سلطه دلار آمریکایی در نظام رایج ارزی نبودند، اما در این نشست نگرانی خود را نسبت به کاهش ارزش دلار ابزار کردند (brics.co) دومین اجلاس سران کشورهای گروه بریک، در شهر برزیلیای برزیل و در ۱۵ آوریل ۲۰۱۰ م برگزار شد. در این نشست، رهبران چهار کشور چین، برزیل، هند و روسیه ضمن تأکید بر اصلاح و تغییر در ساختار نظام بین‌المللی حاکم بر جهان، حمایت خویش را از ایجاد نظم جهانی دموکراتیک، منصفانه و چند جانبه که مبتنی بر قوانین بین‌المللی، برابری، احترام متقابل، همکاری و تصمیم‌گیری دسته جمعی باشد، اعلام کردند. (bricsindia) اجلاس سوم رهبران در سانایای چین برگزار شد. در این نشست که ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ در جزیره هاینان چین برگزار شد، کشورهای عضو در بیانیه نهایی خود، خواستار اصلاحات گسترده و اساسی در سیاست و عملکرد شورای امنیت سازمان ملل شدند و نسبت به رویکرد امریکا و اروپا در قبال تحولات کشورهای عربی به ویژه دخالت ناتو در لیبی نیز موضع‌گیری کردند. (Bricsindia.in /thirdSummit) شایان ذکر است جیکوب زوما، رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی، نیز به عنوان عضو جدید این گروه (که مدتی پیش از آن عضویت کشورش در گروه پذیرفته شده بود) برای نخستین بار در این اجلاس شرکت کرد.

¹ - Luiz Inácio Lula da Silva, Dmitry Medvedev, Singh Mann Mvhang, and Hu Jintao

چهارمین نشست بریکس، ۲۹ مارس ۲۰۱۲ میلادی در دهلی نو و با موضوع «مشارکت و ثبات، امنیت و رشد» برگزار شد. این نشست از برخی لحاظ متفاوت از نشست‌های قبلی بود، چرا که قبل از برگزاری نشست سران، کارشناسان کشورهای عضو نشست سه روزه برگزار کردند و پس از آن نشست، نشست سران با تأسی از پیشنهادهای کارشناسان برگزار شد که نتایج بسیار متفاوتی با نشست‌های قبلی داشت (Bricsindia.in/delhi) این نشست به صدور دو سند مهم منجر شد. سند اول، بیانیه سران و سند دوم، برنامه اقدام است. بیانیه سران در پنجاه بند، مواضع گروه بریکس در دو حوزه اقتصاد و سیاست بین‌المللی را روشن می‌کند. (سجادپور، ۱۳۹۱) در این بیانیه که حاکی از تلاش بریکس برای ایجاد چند جانبه‌گرایی جدید است تمرکز کشورهای بریکس بر اصلاح ساختار حاکمیتی نهادهای مالی بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بود. آنان در این نشست بر تغییر سیاست توسعه بین‌المللی تأکید کرده و خواهان بازنگری نظام پولی حاکم بر جهان با توجه به بحران‌هایی شدند که دلار با آن مواجه است. (Sanwall, 2012) در برنامه اقدام نیز که شامل هفده مورد می‌شود، عمدتاً به راه اندازی جلسات کاری و مشورتی بین نهادهای تخصصی کشورهای عضو پرداخته شده است. اما یکی از نکات قابل توجه و مهم بیانیه پایانی این نشست، توافق بر سر تشکیل بانک توسعه بود. کشورهای عضو بریکس در نشست یک روزه خود در دهلی توافق کردند تا جزئیات طرح تأسیس بانک توسعه جنوب - جنوب را بررسی کنند. (Bricsindia.in/delhi)

اجلاس بعدی در آفریقای جنوبی و در شهر دوربان برگزار شد. در این اجلاس رهبران بریکس مجدداً بر انتقاد از سازمان‌های مهم مالی جهان نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و نیز تأسیس بانک توسعه تأکید و بیان کردند که سهم سرمایه اولیه

بانک باید قابل توجه و کافی برای تأمین مالی زیر ساخت‌ها در کشورهای مورد نظر باشد. لذا، بر این اساس با رقم اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار، به عنوان سرمایه اولیه بانک موافقت و قرار شد تا وزرای دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی کشورهای عضو در جلسه ماه سپتامبر در خصوص کم و کیف چگونگی هزینه کردن پول بانک، جلسات کارشناسی برگزار کنند.

اهداف ۵ کشور عضو در بریکس

بریکس اهداف بلند پروازانه‌ای دارد تا جایی که به گفته آناند شارما^۱، وزیر بازرگانی هند، این گروه می‌خواهد معماری جهانی تازه‌ای ایجاد کند. (کبریایی زاده، ۱۳۹۱) این کشورها با برخورداری از رشد سریع اقتصادی و کسب جایگاه ویژه در اقتصاد بین‌الملل در صددند تا به طور تدریجی بر روند تصمیم‌گیری‌های ویژه نظام بین‌المللی تأثیرگذار باشند و با اصلاح نهادهای مالی و سیاسی بین‌المللی، سیستم جدیدی از حاکمیت بین‌المللی را طراحی کنند. لذا هدف اصلی بریکس را باید عبارت دانست از: تاسیس و ایجاد نظم جهانی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر، به ویژه از طریق اصلاح نهادهای مالی بین‌المللی کنونی (Haibin, 2012:1) اعضای بریکس هر چند کشورهای نوپای صنعتی هستند اما توانسته‌اند در چند سال اخیر اهمیت خود را به رخ آمریکا و کشورهای اروپایی بکشند. اعضای این گروه برخلاف تصور برخی تنها به همکاری‌های اقتصادی بسنده نکرده‌اند.

هر چند رشد پرشتاب اقتصادی این کشورها ابتدا آنها را به هم پیوند داد، اما اعضای این گروه اکنون در تلاش هستند تا در معادلات سیاسی جهان هم فعالانه‌تر عمل کنند. روسیه و چین دو عضو دائمی شورای امنیت هستند و ۳ عضو دیگر هم نامزد عضویت در

¹ - Anand Sharma

این شورا به حساب می‌آیند. کشورهای بریکس در نشست‌های خود خواستار نفوذ بیشتر اعضای خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد شده‌اند و این مسئله به خوبی هدف این کشورها را برای بازی کردن نقشی پررنگ‌تر در مسائل بین‌المللی نشان می‌دهد. سهم کشورهای عضو بریکس از اقتصاد جهانی طی سال‌های اخیر به سرعت افزایش پیدا کرده و انتظار می‌رود این روند همچنان ادامه داشته باشد. علاوه بر این وزن دیپلماتیک کشورهای بریکس هم در حال افزایش است و به همین خاطر گروه آنها را باید تشکلی از کشورهای راهبردی در سال‌های آینده دانست. (Lukov, 2012:2) اهداف کشورهای عضو در بریکس عبارتند از:

- هند: هند با ایجاد اتحادی در بین ۵ کشور با تبادل تجربیات، توانسته به نتایج و پیشرفت خوبی برسد و اکنون به عنوان یک قطب تکنولوژی اقتصادی جهان در حال قدرت است.
- چین: چین به عنوان کشوری در حال توسعه، به دنبال شرکای جدید برای خود می‌باشد. کشوری که آمریکا و اروپا رقیب آن هستند و سعی دارند به نوعی توسعه‌اش را مدیریت کنند. به همین خاطر چین به دنبال شرکایی در راستای ارتباطات خود می‌گردد تا بتواند توسعه پیدا کند. لذا چین با کشورها تعاملاتی داشته و توانسته توسعه بیشتری پیدا و رشد خود را تسریع دهد و بازارهای جدیدی پیدا کند و شرکای جدیدی در صحنه بین‌المللی داشته باشد. این امر خود موفقیت بزرگی برای چین بوده است.
- آفریقای جنوبی: آفریقای جنوبی به دنبال توسعه یافتگی است و در شرایط فعلی سعی دارد در راستای منافع ملی، تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی، خود را توسعه داده و در صحنه بین‌المللی حضور داشته باشد. آفریقای جنوبی آخرین عضو گروه بریکس است. یعنی با توجه به موفقیت کشورهای بریکس در صحنه بین‌المللی و توسعه کشور خود، آفریقای جنوبی مایل به عضویت در این گروه بود

و با شرایطی که در آفریقا داشت، توانست در این گروه عضو شود. این امر موفقیت خوبی برای آفریقای جنوبی بود. آفریقای جنوبی بعد از عضویت در بریکس و تبادل با ۴ کشور دیگر آن، توانسته در بخش سرمایه‌گذاری داخلی و رشد ناخالص تولید ملی و در بحث مدیریت صادرات جهانی و بخش خصوصی سازی موفقیت داشته باشد. این امر با توجه به آمار بانک جهانی، نشانگر روند رو به رشد و توسعه اقتصادی آفریقای جنوبی است.

- روسیه: روسیه بعد از فروپاشی شوروی دچار سردرگمی اقتصادی بود. چون اقتصاد عامل فروپاشی شوروی شد و اقتصاد ورشکسته و فاسد دوران رژیم شوروی سابق، باعث شد روس‌ها بعد از فروپاشی شوروی سعی کنند با مشکلات باقی مانده از شوروی دست و پنجه نرم کنند. بعد از فروپاشی شوروی، روسیه بدترین وضعیت اقتصادی را از نظر تولید داخلی داشت. مسکو از نظر جهانی و رقابت با اروپایی‌ها و فشار اقتصاد جهانی بر روسیه، یک دهه مشکلات داشت، اما با تشکیل سازمان بریکس روسیه جان تازه‌ای گرفت و توانست این مشکلات را به تدریج کنار بگذارد و از تجربیات این کشورها در ورود به جامعه تجارت جهانی بهره‌گیری. در این حال روسیه با دارا بودن مواد خام، ذخایر نفتی، گازی و معدنی و توانمندی تکنولوژی، با رویکرد تبادل اقتصادی و تجاری و فنی توانست خود را وارد بازار جهانی کند و اصول تجارت را یاد گرفته و کشوری قدرتمند گردد. یعنی هر چند روسیه از جی ۸ (به خاطر مسائل اوکراین) اخراج شد، اما واقعیت این است که روسیه قدرتی جهانی است و مسئله اخراج، سیاسی بود تا اقتصادی.
- برزیل: برزیل تا ۳۰ سال پیش یکی از بدهکارترین کشورهای جهان بود، اما اکنون برزیل اکنون قدرت ششم اقتصاد جهان است. با توجه به سیاست‌هایی حزب کارگر برزیل و مدیریت دولت داسیلوا (رئیس‌جمهور قبلی برزیل)، این کشور تبدیل به یک کشور صنعتی و قدرت ششم اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۳ شد و در واقع جای انگلیس را در رتبه‌بندی اقتصاد جهانی گرفت. در برنامه ریزی برزیل، مبارزه با فساد اقتصادی و فساد اداری یکی از اولویت‌ها بود.

بحث حمایت از تولید داخلی و ایجاد بنگاه‌های زود بازده و ایجاد تعاونی‌های تولیدی و کشاورزی از عمده کارهایی برزیل بود که توانست با همکاری کشورهای عضو بریکس انجام دهد. در واقع اکنون برزیل از لحاظ کشاورزی، دامداری، صنعتی و فنی مهندسی یکی از کشورهای بسیار قوی در جهان است و این کشور در قالب سازمان بریکس توانسته جایگاهی برای خود پیدا کند. (Haibin, 2012:2)

باید اضافه نمود که بریکس برای ایفای نقش مؤثر در عرصه بین‌المللی، همچنین خواهان اصلاح نهادهای بین‌المللی مؤثر در ترسیم نظام مالی حاکم بر جهان کنونی است. در واقع، یکی از نکات اساسی که کشورهای بریکس را نزدیک همدیگر نگه داشته است عبارت از این است که علیرغم اینکه هر یک به تنهایی کشوری در ابعاد تأثیرگذاری منطقه‌ای اند، اما می‌خواهند چشم اندازی جهانی برای خود ترسیم کنند. (Lukyanov, 2013) لذا، در بخشی از درخواست‌های خود، خواهان واگذاری بخشی از قدرت آمریکا و اروپا به کشورهای بریکس برای همکاری بیشتر آنان در صندوق بین-المللی پول و بانک جهانی است..

بریکس به درستی دریافته است که دو بال اصلی سیطره غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا بر اقتصاد و سیاست جهان، دو مؤسسه مالی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هستند؛ لذا، اصلاح نهادهای جاری بین‌المللی به دغدغه اصلی قدرت‌های در حال ظهور یا همان گروه بریکس تبدیل شده است؛ البته، بریکس معتقد است که اصلاح این نهادها باید به گونه‌ای باشد که بتوانند منابع سیستماتیک در حال افزایش بریکس را به صورتی مطلوب‌تر از گذشته تأمین کنند و خواسته‌ها و دیدگاه‌های این گروه را برای نظم آینده جهانی انعکاس دهند. از جمله تلاش‌های بریکس در این حوزه می‌توان به تأکید بر نقش هر چه بیشتر سازمان ملل در تأمین صلح جهانی، اصلاح ساختار شورای

امنیت و گروه ۲۰ و نیز تلاش برای ایجاد تغییر در نهادهای مالی بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و اخیراً تلاش برای تأسیس بانک توسعه اشاره کرد. (جهانبخش، ۱۳۹۱)

طبق گفته مارتین دیویس، مدیر اجرایی مؤسسه مشاوره مالی «فرانتیر ادوایزری» در ژوهانسبورگ، هم اکنون بزرگترین هدف کشورهای گروه بریکس ایجاد مؤسسه مالی مشابه مؤسسات بریتون وودز^۱ است؛ مؤسسه‌ای که این بار نه توسط کشورهای توسعه یافته؛ بلکه از سوی کشورهای در حال توسعه تأسیس می‌شود. به نظر وی این موضوع نشانه انتقال قدرت از جهان سنتی به سوی جهان در حال توسعه است که البته این انتقال قدرت با نگرانی‌های ژئوپلیتیکی گسترده‌ای برای کشورهای غربی همراه است. (دیویس، ۱۳۹۲) در واقع، از آنجا که قدرت‌های غربی عمدتاً ساختار حاکمیت جهانی کنونی را ایجاد کرده‌اند، قدرت‌های در حال ظهور، تلاش جمعی خود را برای بازبینی و شکل دهی مجدد به نظام سیاسی اقتصادی بین‌المللی‌ای به کار برده‌اند که منافع و نگرانی آنان را نیز پوشش دهد. آن چیزی که قدرت‌های در حال ظهور دنبال می‌کنند عبارت است از جستجوی نظم جدید اقتصادی و سیاسی که بر مبنای اصول کثرت‌گرایی چندگانه، عدالت، انصاف و دموکراسی ساخته شده باشد. (Habin, 2012:6)

در جمع‌بندی کلی، اهداف مبنایی بریکس را که در یکی دو دهه آینده در بخش‌های مختلف قابل پیش‌بینی است، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- اصلاح ساختار اقتصادی و مالی جهانی که توجهی به افزایش وزن اقتصادی کشورهای بریکس و سایر اقتصادهای در حال ظهور ندارد.

¹ - Bretton Woods system

- تقویت استانداردها و اصول قوانین و قواعد بین‌المللی در راستای جلوگیری و ممانعت از نقص حاکمیت دیگر کشورها و بی‌اثر سازی سیاست‌های قدرت.
- تعامل، همکاری و مشارکت در سطح گسترده با مسائل، معضلات و موضوعات مربوط به مدرنیزه کردن اجتماعی و اقتصادی.
- حمایت کامل از تمامی بخش‌های اقتصادی تمامی اعضا.

امتیازها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های بریکس در دستیابی به اهداف

بریکس زمانی آغاز به کار نمود که از تلاش کشورهای صنعتی یا در حال توسعه برای تشکیل بلوک‌های اقتصادی چند دهه می‌گذرد؛ اتحادیه اروپا، اپک، سارک، آ.سه آن، گروه ۱۵ و اکو نمونه‌هایی از چنین تلاش‌هایی است که از فردای جنگ جهانی دوم شروع شده است و همچنان استمرار دارد. هر چند که بسیاری از این سازمان‌ها و اتحادیه‌ها در دستیابی به اهداف خود ناکام مانده‌اند؛ اما با تشکیل بریکس و نقش تعیین کننده آن در نظام بین‌المللی به دلیل برخورداری از مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاص، اکنون جهان شاهد شکل‌گیری بلوکی نیرومند در عرصه اقتصاد بین‌الملل است که مطالبات آنها فقط اقتصادی نیست، بلکه در عرصه سیاست بین‌الملل نیز حرفی برای گفتن دارند.

امتیازات و مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی

نخستین امتیاز بریکس در زمینه مؤلفه‌های سیاسی و امنیتی عضویت کشورهای چین و روسیه، دو عضو اصلی این پیمان، به عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل است. حضور دو عضو دائم شورای امنیت در گروه بریکس و سه مدعی کسب کرسی دائم، یعنی هند، برزیل و آفریقای جنوبی، نشان دهنده اهمیت این گروه در معادلات

جهانی است. از طرفی، چهار کشور از پنج کشور عضو پیمان بریکس، به سلاح هسته‌ای دست یافته‌اند: هند، روسیه، چین و آفریقای جنوبی. هر چند آفریقای جنوبی، از اعضای این گروه، داوطلبانه از داشتن سلاح هسته‌ای چشم‌پوشی کرد. برزیل هم پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه فناوری هسته‌ای داشته است؛ اما تنها به این دلیل که آمریکای جنوبی قرار داد منع تولید سلاح هسته‌ای را امضا کرده، برزیل هم از تولید سلاح هسته‌ای خودداری کرده است؛ با این حال، برزیل در این سال‌ها همیشه جزو کشورهایی بوده که در آستانه رسیدن به سلاح هسته‌ای تلقی می‌شود. (باوند، ۱۳۹۱: ۱۴) برخورداری از چنین موقعیتی در عرصه سیاست بین‌الملل، در کنار قدرت برتر نظامی روسیه، قدرتی که روسیه از دوران جنگ سرد همچنان حفظ کرده است، به بریکس که در وهله اول شکل‌گیری آن، بنیادی اقتصادی داشت، موقعیتی خاص بخشیده و جایگاه این گروه را به عنوان گروهی مخالف با هژمونی آمریکا تثبیت کرده و بر اهمیت آن در نظام بین‌المللی افزوده است.

گروه بریکس همچنین نقش فعالی در سازمان‌های بین‌المللی نظیر گروه ۲۰، گروه ۸، کشورهای غیر متعهد و گروه ۷۷ دارد. آنها در سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای مهمی نیز عضوند. برای مثال، روسیه عضو کشورهای مستقل مشترک المنافع و سازمان پیمان امنیت دسته جمعی است. چین و روسیه همچنین عضو سازمان همکاری شانگ‌های و گروه همکاری‌های اقتصادی آسیا-پاسفیک‌اند. برزیل یکی از اعضای اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی و نیز عضو مرکوسور است. آفریقای جنوبی نیز از اعضای اتحادیه آفریقا و شورای (جامعه) توسعه آفریقای جنوبی است و هند نیز یکی از اعضای اتحادیه آسیای جنوبی برای همکاری‌های منطقه‌ای است. (Lukov, 2012:1)

بریکس امروزه دارای ۴۳ درصد از جمعیت جهان (حدود سه میلیارد نفر) است که بیش از ۳۰ درصد مساحت خاک جهان را تشکیل می‌دهد. (IMF,2013) این کشورها بیش از ۲۵ درصد قدرت اقتصادی دنیا و بیش از ۱۵ درصد تجارت جهانی را در اختیار دارند. (Singh & Dube,2013:3) مجموع ذخایر ارزی خارجی کشورهای بریکس به ارزش ۴.۴ هزار میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ م بوده، حجم تجارت میان این کشورها از ۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۲ م به ۲۸۲ میلیارد در سال ۲۰۱۲ م رسیده است و طبق پیش‌بینی‌ها، تا سال ۲۰۱۵ م این رقم به ۵۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. همچنین، میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای گروه بریکس در سال ۲۰۱۲ م به ۲۶۳ میلیارد دلار رسیده که این رقم ۲۰ درصد کل سرمایه‌گذاری مستقیم جهان را در اختیار دارند. (Groot and et,2011:3) و بر اساس آخرین آمار، ترکیب بندی اسمی تولید ناخالص داخلی این گروه در سال ۲۰۱۲ میلادی، ۱۳ تریلیون و ۶۰۰ میلیارد دلار آمریکا بوده است. (IMF ,2013)

نکته قابل توجه درباره کشورهای بریکس، پر جمعیت بودن آنها از یک طرف و از طرف دیگر داشتن منابع طبیعی و وسعت قابل توجه است. همچنین، بالاترین رشد اقتصادی بین سایر کشورهای جهان را داراست. در میان کشورهای این گروه، برزیل، هند و چین جزو کشورهایی‌اند که رشد اقتصادی سریع تری دارند. برخی برآوردها حاکی از آن است که سهم کشورهای گروه بریکس از رشد اقتصاد جهانی در دهه گذشته به حدود ۵۰ درصد رسیده است. (Lukov 2012)؛ این در حالی است که این مجموعه از کشورها، در سال ۲۰۰۷ م، حدود ۱۶ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) جهان را داشتند و در سال ۲۰۱۰ م، این رقم را به ۲۵ درصد رساندند. (Singh & Dube,2011) آمارهای جدید نیز حاکی از این است که به شکرانه این اقتصادهای نوظهور بزرگ، تولید

ناخالص داخلی جهان ۲/۵ درصد در فصل پایانی سال ۲۰۱۲ م رشد داشته و بریکس به تنهایی مسبب ۵۵ درصد از رشد جهانی از سال ۲۰۰۹ م تا کنون بوده است (اقتصاد ایران آنلاین، ۱۳۹۲)

شاید بتوان به نحوی نقطه آغازین شکل‌گیری گروهی نظیر بریکس را به قدرت یابی پوتین در آخرین سال از هزاره دوم نسبت داد. زمانی که در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ م، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه می‌شود و سوگند می‌خورد که حیثیت و قدرت سرزمین روسیه را بازگرداند. بعد از آن مجموعه‌ای از تحولات دست به دست هم می‌دهد و مقدمات شکل‌گیری بریکس فراهم می‌شود، به نحوی که در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۱ م، چین به سازمان تجارت جهانی می‌پیوندد. پس از آن، در اوایل ژانویه ۲۰۰۳ م، لوئیس ایناسیو لولا داسیلوا، رهبر حزب چپ برزیل، رئیس‌جمهور می‌شود و برزیل دوره‌ای بی سابقه را در جهت رشد سریع اقتصادی آغاز می‌کند. بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۵ میلادی، بورس سهام مربوط به نفت و سوخت روسیه ۷۶۱٪ و بورس سهام هند ۱۹۰٪ رشد می‌کند. در دسامبر ۲۰۰۷ م، چین آلمان را به عنوان سومین اقتصاد جهان پشت سر می‌گذارد. در ژانویه ۲۰۰۸ م، برزیل برای اولین بار به طور خالص طلبکار می‌شود؛ یعنی، بیش از آنکه از سایر کشورها وام دریافت کند، به سایر کشورها وام می‌دهد و در سال ۲۰۰۹ م، رسماً بریکس تأسیس می‌شود. (Hounshell, 2011)

طبق تحقیقات یک مؤسسه مطالعات اقتصادی در انگلستان، هندوستان که امروزه بزرگترین دموکراسی جهان را دارد و در سال ۲۰۱۰ م در جایگاه دهمین اقتصاد برتر جهان قرار داشت، تا سال ۲۰۲۰ م خود را به جایگاه پنجم خواهد رساند. هندوستان نیز پر جنب و جوش‌ترین اقتصاد مشتری مدار جهان را دارد که روز به روز هم توسعه می‌یابد.

برزیل در سال ۲۰۱۱م با قرار گرفتن در مقام ششمین اقتصاد جهان، از رتبه انگلیسی‌ها پیشی گرفت و حتی در حال نزدیک شدن به رتبه فرانسوی هاست. روسیه نیز هنوز از دوران دو قطبی جنگ سرد، میراث قدرت نظامی خود را به عنوان ابر قدرت نظامی از دست نداده. گفته می‌شود که تا سال ۲۰۲۰ م روسیه، هند و برزیل از بسیاری از کشورهای توسعه یافته اروپایی از جمله فرانسه و انگلستان سبقت خواهند گرفت. (خدایی، ۲۰۱۱) در پرتو رشد سریع کشورهای بریکس، تحلیل‌گران بر این اعتقادند که اگر چه در سال ۲۰۱۰م، چهار قدرت از پنج قدرت اقتصادی جهان از کشورهای غربی بودند، در سال ۲۰۵۰ م فقط ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها کشور غربی، در میان پنج اقتصاد برتر دنیا حضور خواهد داشت. (ورلد، ۲۰۱۳:۲۳) طبق پیش‌بینی جهانی، دلار، یورو و یوآن بر اساس نظام پولی چند ارزی تا سال ۲۰۲۵ م ارزش برابر پیدا می‌کند و در نتیجه دلار سلطه خود را از دست خواهد داد. چین هم اکنون ژاپن و آلمان را پشت سر گذاشته و به دومین اقتصاد بزرگ تبدیل شده است. (همان) صندوق بین‌المللی پول نیز در سال ۲۰۱۱ میلادی پیش‌بینی کرد چین در پنج سال آینده به نخستین اقتصاد جهان تبدیل می‌شود و این کشور در سال ۲۰۱۶ میلادی در شاخص‌های اقتصادی از آمریکا پیشی خواهد گرفت. از سوی دیگر، ارزش تولید ناخالص داخلی چین که در سال ۲۰۱۰ میلادی ۱۱ هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار بود در سال ۲۰۱۶ میلادی به ۱۹ هزار میلیارد دلار خواهد رسید. این در شرایطی است که در سال ۲۰۱۰ میلادی ارزش این شاخص برای آمریکا ۱۵ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بود و تا سال ۲۰۱۶ میلادی به ۱۸ هزار و ۸۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید و افزون بر این، تا پنج سال آینده، سهم چین در اقتصاد جهانی از ۱۴ درصد حال حاضر به ۱۸ درصد خواهد رسید که از سهم ۱۷/۷ درصدی آمریکا بیشتر است. (CIA,2012)

علاوه بر موضوع انتقال جریان سرمایه مادی به شرق، به نظر می‌رسد سرمایه فکری نیز از مرکز به پیرامون نظام جهانی نقل مکان می‌کند، به طوری که هر چند ایالات متحده هنوز هم بهترین نظام دانشگاهی را در جهان دارد، اما بسیاری از دانشجویان این دانشگاه‌ها خارجی‌اند و معمولاً پس از کسب مهارت به کشورشان باز می‌گردند. برای مثال در سال ۱۹۷۸ میلادی، حدود ۱۲ درصد از فارغ التحصیلان مقطع دکتری در آمریکا خارجی بودند. در سال ۲۰۰۸م این میزان به ۳۳ درصد رسید. ۶۰ درصد از فارغ التحصیلان مقطع دکتری در رشته‌های مهندسی و ۴۸ درصد در علوم فیزیک دانشجویان خارجی بودند. جالب توجه است بدانیم که در سال ۲۰۰۸ م، حدود ۳۰ درصد از دانشجویان خارجی موفق به اخذ مدرک دکتری در آمریکا شهروندان چینی بودند. با احتساب دانشجویان هندی و کره جنوبی، این میزان به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد. در نتیجه، تعجبی ندارد که مقاله‌های علمی منتشر شده شهروندان آسیایی از ۱۶ درصد در سال ۱۹۹۰ م به ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۴ م رسیده است. (Ibid)

چالش‌ها و معضلات پیش روی بریکس در دستیابی به اهداف

علیرغم آنچه گفتیم، هر چند سازمان بریکس آینده اقتصادی و به تبع آن، آینده سیاسی مهمی را در پیش رو دارد، اما به همان اندازه شکننده هم هست و با چالش‌های متعددی رو به رو است که در ادامه بخشی از این چالش‌ها را مرور می‌کنیم.

چالش‌های اقتصادی - اجتماعی

کشورهای بریکس از سه قاره متفاوت با فرهنگ‌های گوناگون و حتی رهیافت‌های اقتصادی مختلف‌اند که نوعی ناهمگنی میان این گروه به وجود آورده است؛ برای مثال،

بخشی از این بلوک یعنی برزیل، هند و آفریقای جنوبی، به نظام بازار آزاد و اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال بیشتر توجه دارند تا سیاست چین. از اینرو، کشورهای در حال توسعه، برای تعامل با چنین نهادی، باید اولویت‌های خود را بر اساس همین ابعاد و زوایا سامان دهند.

کشورهای بریکس با نابرابری اقتصادی میان اعضا نیز رو به رویند. به همین دلیل، میانگین امید به زندگی در آنها به میزان قابل توجهی از گروه هفت پایین‌تر است. کشورهای عضو این گروه هر چند جزو اقتصادی‌های نوظهور به حساب می‌آیند، اما تفاوت‌های زیاد اقتصادی آنها را از هم متمایز می‌کند. برای مثال، جیمز اونیل که برای نخستین بار، نام بریک را به کار برد آفریقای جنوبی را مهره‌ای همگون با چهار کشور دیگر نمی‌داند. او با ابراز تعجب از عضویت این کشور در بریکس و نامشخص بودن دلیل این اقدام اعضای اولیه می‌گوید: اقتصاد آفریقای جنوبی در مقایسه با این کشورها کوچک است و درآمد ناخالص داخلی آن نیم درصد از دارایی جهان را تشکیل می‌دهد. وی برای یک دست شدن بریکس ترکیه، اندونزی، مکزیک، کره جنوبی و حتی عربستان سعودی و لهستان را بیشتر از آفریقای جنوبی حائز شرایط می‌داند. (Hounshell, 2011)

شایان توجه است که در گروه بریکس، چین نسبت به بقیه اعضای این گروه، برتری اقتصادی قابل توجهی دارد و در اقتصاد تنها به شیوه خود عمل می‌کند؛ اقتصاد این کشور چهار برابر از برزیل و ده برابر از هند قدرتمندتر معرفی شده است و در سال ۲۰۱۰ م، حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی بریکس و بیش از ۷۰ درصد صادرات جهانی بریکس به چین اختصاص داشته است. (نژند، ۱۳۹۱)

از سوی دیگر، روسیه هنوز هم وارث بلامنازع سیاست‌های اقتصاد متمرکز شوروی سابق به شمار می‌رود و عدم باور به اقتصاد بازار آزاد، هنوز در تار و پود این کشور ریشه دارد. روسیه هنوز می‌کوشد که معجونی جادویی از سیاست کارآمد دولتی برای بهره برداری از منابع طبیعی غنی، فضای پهناور و مساحت فوق العاده زیاد، و همین طور توان اجتماعی خیره کننده موجود در این کشور بیابد. (اسکوبار، ۱۳۹۱)

هند نیز اگر چه بزرگترین دموکراسی دنیا از لحاظ جمعیت به شمار می‌رود و پس از قدرت یابی مجدد حزب کنگره و مان موهانگ سینگ، تا حدودی لیبرالیسم اقتصادی در این کشور حاکم شد و به نوعی توسعه متوازن را تجربه کرد، اما به دلیل داشتن جمعیت فراوان، راه دشواری برای رسیدن به مقاصد بریکس پیش رو دارد، به طوری که امروزه در هند رشد روز افزون فقر و افزایش اختلاف طبقاتی بیداد می‌کند.

برزیل نیز مشکلات اصلی خود را دارد: به طوری که تنها در هفت سال گذشته، حدود ۴۰ میلیون نفر بر مصرف کنندگان طبقه متوسط برزیل اضافه شده است؛ تا سال ۲۰۱۶ م، برزیل باید ۹۰۰۰ میلیارد دلار دیگر، بیش از یک سوم تولید ناخالص داخلی خود را در زیر ساخت‌های انرژی سرمایه‌گذاری کند. (بازاریاشلی، ۱:۱۳۹۱)

در این میان، اوضاع آفریقای جنوبی از دیگر اعضا بدتر است. بر اساس گزارش بانک جهانی، آفریقای جنوبی دارای یکی از بدترین شاخص‌های توسعه انسانی نسبت به سرانه تولید ناخالص داخلی، در میان کشورهای جهان است. از جمعیت ۱۷/۱ میلیون نفری نیروی کار این کشور، در پایان سال ۲۰۱۰ م، تعداد افراد شاغل ۱۲/۸ میلیون نفر و تعداد افراد بیکار ۴/۳ میلیون نفر بوده که بیشترین نرخ بیکاری در میان سیاهان است. همچنین، بر اساس آمارهای منتشر شده ۵۰ درصد از مردم آفریقای جنوبی زیر خط

فقرند و نرخ بیکاری در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ میلادی به ترتیب بالغ بر ۲۴ درصد و ۲۴/۹ درصد بوده است. (شریعتی، ۱۳۹۱)

این مسائل در حالی است که مسئله عدم توسعه اجتماعی و فرهنگی و مسئولیت‌پذیری نخبگان و شکل‌نگرفتن و قدرت نیافتن طبقه متوسط در جوامعی مانند چین و روسیه و حتی تا حدودی هند هم به چشم می‌خورد. از طرفی، بر مهره‌های کلیدی بریکس مانند چین و روسیه به دلیل نداشتن اصولی دموکراتیک مانند آزادی بیان، انتخابات آزاد و آزادی رسانه‌ها تشکیک وارد شده است. (کبریایی زاده، ۱۳۹۱) از طرف دیگر، فقر برای غالب کشورهای بریکس کماکان چالشی بزرگ باقی خواهد ماند. در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۸۰ درصد جمعیت هند، ۳۵ درصد جمعیت چین و ۲۰ درصد جمعیت برزیل، هنوز با کمتر از ۲ دلار در روز زندگی سر می‌کرده‌اند، به این معضل، مشکلات نابرابری نیز افزوده می‌شود که برای اغلب کشورهای بریکس سیری صعودی می‌پیماید. از بین این پنج کشور، تنها برزیل بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ میلادی با کاهش نابرابری-ها رو به رو بوده است. (نژند، ۱۳۹۱)

چالش‌های سیاسی – بین‌المللی

جدای از موضوعات اقتصادی، رویکردها و کنش‌های سیاسی هر کدام از کشورهای بریکس در تعامل با مسائل مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی، هنوز یک دست و همگن نشده است و این مسئله می‌تواند در پیوستن یا عدم پیوستن سایر کشورها به این نهاد بین‌المللی تاثیر گذار باشد. واقعیت این است که خود این نهاد با وجود عضویت کشورهای قدرت مند اقتصادی، به لحاظ سیاسی هنوز یک دست نیست. برای نمونه، در حالی که چین و روسیه از منظر تعامل با رخدادهای جهانی اغلب موضع مشترک یا

نزدیک به هم دارند، کشورهای آفریقای جنوبی و برزیل یا هند، متناسب با نظام‌های اقتصادی و سیاسی خود که بیشتر به سرمایه داری غرب نزدیک است، مواضع متفاوتی با شرکای اقتصادی خود در قبال مسائل گوناگون اتخاذ می‌کنند. این امر، در عین اینکه بیش از هر چیزی کشورهای در حال رشد را به روی آوردن به این گروه قدرت مند اقتصادی جدید تشویق می‌کند، می‌تواند آنها را از آن دور سازد. این مسئله‌ای است که در موضع‌گیری‌های کشورهای در حال رشد هم نمود دارد. برای مثال، مواضع عربستان سعودی در قبال تحولات سوریه یا دیگر رخدادهای جهان عرب، کاملاً با سیاست‌ها و مواضع چین و روسیه در تعارض است. در نتیجه، عربستان و امارات این کشور در جهان عرب، هر چند می‌توانند روابط تجاری و سیاسی خود را با بخشی از آن بلوک توسعه و گسترش بخشند، به همان اندازه هم از بخش دیگری از این بلوک، فاصله می‌گیرند و این چه بسا در روند تصمیم‌گیری مشترک کشورهای عضو این نهاد در قبال روابط با این کشور نوعی تقابل ایجاد کند. (آلبوغبیش، ۱۳۹۱)

از سویی، کشورهای بریکس امروزه در عرصه اقتصاد بین‌الملل با اقتصادهای نوظهور دیگری نظیر اندونزی، مکزیک، ترکیه، نیجریه و لهستان نیز مواجه‌اند که خواهان مشارکت در عرصه سیاست بین‌الملل و داشتن سهم بیشتری در اقتصاد بین‌الملل و در نتیجه معماری نو در جهان‌اند و نحوه تعامل با آنها از جمله چالش‌های فراروی این گروه است. (Karackattu, 2011)

رقابت‌های درونی میان اعضا، بخش دیگری از چالش‌های فراروی بریکس است. اعضای بریکس در بسیاری از زمینه‌های کلیدی با یکدیگر رقابت دارند. در آسیا، هند و روسیه از موانع بالقوه سلطه منطقه‌ای فرضی چین هستند. همچنین، روسیه، برزیل و هند خواهان نظام بین‌المللی چند قطبی‌اند که خود، بازیگران اصلی‌اش باشند و در این

راستا، هند و برزیل قصد دارند عضو شورای امنیت سازمان ملل شوند. در عوض، هدف چین تشکیل یک دنیای دو قطبی است که در آن چینی‌ها موازنه‌ای برای قدرت آمریکایی‌ها باشند؛ لذا می‌بینم که پکن تاکنون با پیشنهاد هند برای عضویت دائم در شورای امنیت مخالفت کرده است. (کبریایی زاده، ۱۳۹۱)

از طرفی، رقابت هر یک از اعضای بریکس با دیگری بر سر تصاحب بازارهای کشورهای توسعه یافته به طور ملموسی دیده می‌شود. به همین دلیل انتظار می‌رود که بریکس در مناطق فعلی صرفاً به همکاری مشترک اقتصادی بین کشورهای عضو قناعت کند و تا عمل کردن و شناخته شدن به منزله بلوک قدرت در عرصه بین‌المللی فاصله زیادی داشته باشد. از اینرو، با وجود قدرت اقتصادی کشورهای عضو این گروه، هنوز بریکس از نظر قدرت سیاسی جایگاه قابل توجهی در عرصه بین‌المللی در اختیار ندارد و تلاش آن برای تبدیل شدن به بلوک جدید قدرت، با موانع متعددی روبه روست. برای مثال، علی‌رغم پیگیری اقدام‌های لازم جهت هماهنگی هر چه بیشتر در دیدگاه‌ها و موضع گیری‌های اعضای بریکس در قبال موضوعات بین‌المللی، اعضای این گروه در سال ۲۰۱۱ میلادی، به رغم حضور دسته جمعی در نشست شورای امنیت سازمان ملل، در اتخاذ مواضع یکسان درباره حوادث لیبی و سوریه ناکام بودند. دامنه این اختلافات در پاره‌ای از مواقع حتی در خصوص مباحث اقتصادی نیز به چشم می‌خورد، به طوری که در بطن گروه بریکس، مواضع اقتصادی کشورهای عضو نیز کمتر یکسان است. چین که در میان این پنج کشور، بزرگترین قدرت اقتصادی به شمار می‌رود، خواهان موقعیتی بهتر در صندوق بین‌المللی پول و نقش مهم‌تر واحد پولی خود در تجارت جهانی است و در واقع بریکس را فرصتی مناسب برای به مبارزه طلبیدن هر چه بیشتر دلار و یورو می‌داند.

چین از بیشترین میزان ذخایر ارزی به مبلغ ۳۲۰۰ میلیارد دلار برخوردار است. (عظیمی، ۱۳۹۱)

در جمع‌بندی می‌توان معضلات و مشکلات فراوی بریکس را در فرهنگ‌های متفاوت و سطوح مختلف توسعه اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی اعضا، برخورداری از مدل‌ها و نظام‌های سیاسی متفاوت، میزان تفاوت مدرنیزه کردن و میزان سرمایه‌گذاری خارجی متفاوت در این کشورها و روابط عمیق اقتصادی تمامی اعضا با کشورهای غربی خلاصه کرد. (lukov, 212:2)

نتیجه‌گیری:

پل کندی، تاریخدان دانشگاه بیل، که نظریه «گسترش امپریالی» او شناخته شده است، اعتقاد دارد دنیا یا در حال گذر از یک «نقطه عطف تاریخی» و پشت سر گذاشتن جهان تک قطبی، «یگانه ابر قدرت» پا برجای پس از دوره جنگ سرد، است یا اینکه همین حالا نیز از آن نقطه گذر کرده است. به عقیده کندی، چهار دلیل مهم برای فرضیه موجود است. کاهش تدریجی ارزش دلار آمریکا (پیش‌تر ۸۵٪ ذخایر جهانی را تشکیل می‌داد، در حالی که اینک این مقدار به کمتر از ۶۰ درصد رسیده است) فلج شدن اتحادیه اروپا، خیزش آسیا (و پایان هژمونی ۵۰۰ ساله غرب) و ضعف سازمان ملل. (اسکویار، ۱۳۹۱) در این میان، به دلیل برخورداری بریکس از یک دسته امتیازات و ویژگی‌های تعیین‌کننده در سطح نظام بین‌المللی، نگاه‌ها بیش از هر نهادی متوجه این نهاد شده است.

برخی ویژگی‌های این گروه که باعث شده تا از سوی دیگر کشورها، گروهی تعیین کننده در مسائل جهانی مورد توجه به حساب آید عبارت‌اند از: مساحت سرزمین، جمعیت بالا، ارزش بالای تولید ناخالص ملی (GDP) و رشد مناسب آن در سال‌های اخیر، برخورداری از قدرت اتمی کشورهای چین، روسیه و هند، همچنین برخورداری از حق وتوی دو کشور چین و روسیه به عنوان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد. این مشخصه‌ها باعث شده است که آینده گروه و اهداف آنان، نظر بسیاری از کشورهای جهان را به خود جلب کند. از اینرو، این تصور وجود دارد که گروه توانایی رهبری و دفاع از موقعیت اقتصادی و مالی کشورهای ضعیف‌تر را در آینده خواهد داشت. (سنجر، ۱۳۹۱)

آنها معتقدند از آنجا که ساختار اقتصادی و سیاسی جهان کنونی عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم و در سایه نهادهایی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌الملل پول و به وسیله قدرت‌های غربی ایجاد شده است، باید تمامی توان خویش را برای بازبینی و شکل دهی مجدد به سیستمی بین‌المللی به کار ببرند تا منافع و نگرانی آنان و سایر اقتصادها و کشورهای در حال ظهور را نیز پوشش دهد. آن چیزی که قدرت‌های در حال ظهور دنبال می‌کنند عبارت است از جست و جوی نظم جدید اقتصادی و سیاسی که بر مبنای اصول کثرت‌گرایی چندگانه، عدالت، انصاف و دموکراسی ساخته شده باشد. (Haibin, 2012:6) آنها در تلاش‌اند تا ساختارهای حاکمیت جهانی را از طریق اصلاحات تدریجی و مسالمت آمیز، دموکراتیک‌تر و موثرتر سازند.

در پایان باید گفت تشکیل بریکس در صورت رفع موانع و چالش‌های فراوان آن، شاید بتواند به نوعی یادآور پیش‌بینی اسوالد اشپنگلر، فیلسوف بزرگ آلمانی، باشد که معتقد بود از آنجا که تمدن از شرق به غرب رفته است، دوباره به شرق باز می‌گردد و این

بازگشت با ضریب بالایی از پیشرفت همراه خواهد بود. بازگشت این تمدن به شرق به معنای آغاز انحطاط غرب است. لذا، بریکس نمادی از این آغاز است که اگر در میانه راه آسیبی به آن نرسد، به نظر می‌رسد که این توان را برای دگرگونی معادلات دنیا دارد.

منابع:

- حافظ نیا، محمد(۱۳۸۳)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی

سایت

- آلبوغیش، عبدالله، ۲۷ فروردین. (۱۳۹۱)، بریکس و یارگیری‌های منطقه‌ای، همشهری آنلاین

- اسکوبار، پیه، (۱۳۹۱)، ایران هسته‌ای در مسیر پیوستن به قدرت‌های آینده جهان، خبرگزاری فارسی، ۱ خرداد ۱۳۹۱، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/printable.php?139102180>

- ۱۲، فروردین (۱۳۹۲)، اقتصادهای نوظهور چقدر در تولید ناخالص جهان نقش دارند؟، اقتصاد ایران آنلاین

- ایواشف، لئونید، ۴ اردیبهشت (۱۳۹۰)، گروه بریکس؛ تلاشی برا تجدیدنظر در ساختار نظام بین‌الملل، سایت روسیران، قابل دسترسی در:

www.rusiran.com/category/notation/page/2

- بازارباشلی، سعید، ۱۵ فروردین (۱۳۹۱)، بریکس، غوطه ور در آرزوها، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۶-۲۴

- باوند، هرمیداس، ۱۵ فروردین (۱۳۹۱)، بریکس و بانکی که معادلات دنیا را تغییر می‌دهد، روزنامه اعتماد، شماره ۲۳۶۰

- جهانبخش، کامران، ۲۷ فروردین (۱۳۹۱)، اژدهای شرق در حال بیدار شدن است، همشهری آنلاین،

<http://www.hamshahrionline.ir/details/166326>

- خدایی، زهرا، ۹ تیر (۱۳۹۲)، چه بر سر نوظهورها آمد؟ از کاهش ارزش پول ملی تا آشوب خیابانی، خبرآنلاین

- ۳۰ اسفند (۲۰۱۱)، هند پنجمین اقتصاد برتر جهان، سایت تجارت الکترونیک ایکام فارم، قابل دسترسی در:

<http://world.ecomfarm.com>

- دیویس، مارتین، ۸ فروردین (۱۳۹۲)، طرح جدید کشورهای بریکس برای دور زدن بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، نکونیوز

- سجادیپور، سید محمد کاظم، ۲۴ فروردین (۱۳۹۱)، اجلاس سران «بریکس» در دهلی نو، چند جانبه گرایی غیر غربی، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۵۲۸۶

- سنجر، ابراهیم، ۴ تیر (۱۳۹۱)، جایگاه بین‌المللی گروه بریکس، پایگاه خبری دنیای صنعت، قابل دسترسی در:

<http://www.donyayesanat.com/16428-fa.html>

- شریعتی، قاسم، ۲۳ اردیبهشت (۱۳۹۱)، چالش‌های افریقایی جنوبی برای ادامه حضور در میان قدرت‌های نوظهور جهانی، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، قابل دسترسی در:

<http://www.irna.ir/NewsShow.aspx?NID=80127140>

- عظیمی، دلارام، یکشنبه ۲۷ فروردین (۱۳۹۱)، رقابت از وحدت سبقت می‌گیرد، همشهری آنلاین، قابل دسترسی در:

<http://hamshahrionline.ir/print/166359>

- کبریایی زاده، حسن، ۱۶ اردیبهشت (۱۳۹۱)، گروه بریکس و تغییر معماری نظم جهان، موسسه ابرار معاصر تهران، قابل دسترسی در:

<http://www.tisri.org/default-1099.aspx>

- نژند، مزگان، ۹ دی (۱۳۹۱)، معضلات اقتصادهای نوظهور، پایگاه جامع تحلیلی خیری اقتصاد پرس

- والرشتاین، امانوئل، ۵ می (۲۰۱۳)، بریکس در خدمت چه کسانی است؟، ترجمه پرویز صداقت،

<http://pecritique.com>

- ورلد، نونز، ۲۷ فروردین (۱۳۹۱)، قدرت‌های جدید جهان، ترجمه احسا شریف روحانی، سایت همشهری آنلاین، قابل دسترسی در:

<http://www.hamshahrionline.ir/details/166287>

منابع انگلیسی:

-Hounshell,B.(2011).BRICs:A Short History. Foreign Policy Magazine February 21

- IMF (2013) **World Economic Outlook**, April data. Retrieved 17 April

-Karackattu,J.T.(2011).**BRICS:Opportunities and Challenges.IDS-A Issue Brief**

-O'Neill, J. (2001). **Building Better Global Economic BRICs**

-Reuters (2011), **Libya: Nigeria votes in favor of no-fly resolution**, March 18

-Sanwall, M. (2012). **BRICS Now Matter in the Changing World Order**. Eurasia review. 17 April

-Singh, S. P. & Dube, M. (2011). **BRICS and the World Order: A Beginner s Guide**. Source: Foreign Policy, March/April

سایت

-CIA (2012) **The World Fact book -Country Comparison:**

National product, <https://www.cia.gov/library/publications/the-worldfactbook/rankorder/.html>

-Haibin,N.(2012).**BRICS in Global Governance? A Progressive Force?** www.fes.de/cgi-bin/gbv.cgi?id=09048&ty=pdf

-Laidi, Zaki. (2011). **the BRICS against the West?** Available at: http://www.ceri-sciences-po.org/ressource/n11_112011.pdf

-Lavrov,S.(2012). **BRICS:a new generation forum with a globalreach.** Available at:
www.brics.utoronto.ca/newsdesk/delhi/lav-rov.html

-Lukyanov, F. (2013). **What holds the BRICS together**, Available at:<http://thebricspost.com/what-holds-the-brics-together/>

-Lukov,V.(2012).**A Global Forum for the New generation**, Available at: www.brics.utoronto.ca/analysis/Lukov-Global-Forum.html

-<http://www.goldmansachs.com/our-thinking/topics/bricsbrics-reportspdfs/build-better-brics.pdf>

-<http://www.bricsindia.in/delhi-declaration.html>

-<http://www.bricsindia.in/firstSummit.html>

-<http://www.bricsindia.in/secondSummit.html>

-<http://www.bricsindia.in/thirdSummit.html>

-<http://www.hamshahrionline.ir/details/166290>